**انترناسیونال ۶۷۸**

**بازگشایی مدارس**

گفتگو با سیامک بهاری

***انترناسیونال:*** *سال تحصیلی جدید در چه شرایطی شروع می‌شود؟*

**سیامک بهاری:** پیشاپیش این روز را به همه خانواده‌ها و دانش آموزان تبریک می‌گویم. بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی برای اکثریت قریب به اتفاق مردم موضوع مهم و با ارزشی است. این بخشی از تمدن بشری است که برای ارتقاء علمی جامعه به آموزش و پرورش اهمیت ویژه می‌دهد. آموزش و پرورش درعین حال شبیه بارومتری است که درجات رفاه و تامین حقوق پایه‌ای مردم برای دسترسی به تحصیل و آموزش، درجه استاندارد پیشرفت علمی جامعه و در عین حال تضادها و تفاوتها و تبعیض نهادینه شده در جامعه را نیز نشان می‌دهد. هر درجه از بحرانهای اجتماعی و ‌آنچه که بعنوان آسیب‌های اجتماعی شناخته می‌شود، آموزش و پرورش را مستقیما هدف می‌گیرد.

این اول مهرِ بعد از برجام و توافقات هسته‌ای است که قرار بود وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم را بهبود بخشد. اول مهرِ افشای حقوق‌های نجومی و اختلاس‌های چند هزار میلیاردی و در عین حال کسر بودجه نجومی ۵هزار میلیاردی آموزش و پرورش هم است.

اول مهرِ اعتراضات وسیع معلمین به وضعیت معیشتی فلاکتبار خود و فضای پادگانی و خفقانی آموزش و پرورش هم هست.

اول مهر امسال یک مصاف جدی و رو در رویی آشکار در میدانی به بزرگی کل جامعه است. خانواده‌ها در شهر و روستا با نهادی روبرو هستند که هیچ عزم واراده‌ای برای بهبود وضعیت فاجعه بار آموزشی کشور ندارد! آموزش و پرورشی که اساسا به دست بازار آزاد سپرده شده است و مدارس عملا به مؤسسات مالی بدل شده‌اند.

وقتی که مسئولان جمهوری اسلامی وقیحانه اعلام می‌کنند، ۳۰ درصد جامعه گرسنه‌اند! ۲۵ درصد مردم ایران عملا حاشیه نشین شهرهای بزرگ هستند. اگرچه این فقط گوشه‌ای از حقیقت است اما، تاثیر عملی این وضعیت عدم در دسترسی میلیونها نفر به آموزش و پرورش را کاملا مشخص می‌کند.

صدها هزار خانواده‌‌‌ای که نه فقط با فقر، که با گرسنگی آشکار، سوءتغذیه مزمن، بیکاری بی‌انتها، تورم اقتصادی فلج کننده و همزمان گرانی کمرشکن دست به‌گریبان هستند. حتی اگر امکانی برای ادامه تحصیل فرزندان خود بیابند، با هیولای افزایش سرسام آور شهریه‌های سنگین، گرانی وسایل و لوازم تحصیل روبرو هستند. با تبعیض و نابرابری آشکار و نهادینه شده در دسترسی به تحصیل و دسته بندی مدارس با شهریه و استانداردهای بشدت متفاوت روبرو هستند.

در این فضا، پول که نداشته باشی در بهترین حالت گذارت به مدارس دولتی می‌افتد. وجود هزاران مدرسه ناایمن، فاجعه بار بودن استانداردهای ایمنی کلاسهای درس که خود این وزارتخانه سالهاست از آنها بعنوان مدارس تخریبی و کلاسهای خشتی نام می‌برد، همراه با عقب مانده‌ترین وسایل گرمایشی مانند بخاری‌های مستعمل نفتی و سرویس‌های بهداشتی، کلاسهای کپری و کانتینی!

***انترناسیونال:*** *وضعیت دانش آموزان مهاجر به ترتیب است؟*

**سیامک بهاری:** طبق آمارهای وزارت آموزش و پرورش و ادراه اتباع خارجی، بیش چهارصد هزار کودک مهاجر با پیشینه عمدتا افغانستانی و غیره وجود دارد. این بخش عظیم از کودکان قربانی مستقیم سیاست‌‌های نژادپرستانه جمهوری اسلامی هستند. کودکانی که بی هویت و بی شناسنامه خوانده می‌شوند!

از یکسال پیش به این طرف ادعاهای صرفا نمایشی برای نامنویسی این دانش‌آموزان صورت گرفته است. از فرمان خامنه‌ای تا بخش‌نامه‌های آموزش و پرورش و اداره اتباع خارجی. اما هیچ اقدام ملموسی در این باره صورت نگرفته است. اعزام به جببه جنگ سوریه یک شرط صدور کارت اقامت و مجوز تحصیل است. بقیه نمایش‌ها، ادعای کاذب است. محروم کردن از تحصیل در رشته‌های خاص دانشگاهی، ممنوعیت اقامت در ۲۱ شهر دانشگاهی و حتی ممنوعیت مدارس خودگردان از این دست است.

یک نمایش مشمئز کننده دیگر حکومتی ادعای جریمه و زندان کردن خانواده‌‌هایی است که مانع رفتن کودک شان به مدرسه می‌شوند. درحالیکه خود حکومت با خصوصی سازی و پولی کردن آموزش، منشاء ترک تحصیل و پرتاب کودکان به بازار بیرحم کار است. چنین ادعاهایی فقط سبب خشم بیشتر مردم است.

***انترناسیونال:*** *اعتراضات معلمین و خانواده ها را بیشتر باز کنید.*

**سیامک بهاری:** جامعه علیرغم وضعیتی که جمهوری اسلامی تحمیل کرده است، نه مرعوب شده و نه عقب نشسته است. این را در هر زمینه‌ای می‌شود دید. در رابطه با آموزش و پرورش به شکل گسترده‌تر و همه جانبه‌تری این جدال و مقابله صورت می‌گیرد. اعتراضات اخیر در رابطه با هدایت تحصیلی، اعتراض به افزایش شهریه‌‌ها و این موج ویرانگر خصوصی سازی و چوب حراجی که وزارت آموزش و پرورش بر مدارس دولتی می‌زند، اعتراض معلمین حق‌التدریسی، معلمین شاغل و معلمین بازنشسته، با طرح خواستها و مطالبات، بحق، حضور چشمگیر اعتراضی در مدیای اجتماعی و بویژه کانالهای تلگرامی ار این جمله هستند. یک جهت‌گیری عمیق‌تر و پایه‌ای‌تر مطالبه مشخصِ خاتمه دادن به آموزش و پرورش پولی و خواست رایگان کردن آموزش است.

افزایش سهمگین پرتاب کودکان و نوجوانان از چرخه تحصیلی و تلاش حکومت برای شانه خالی کردن از انجام وظایف‌اش در تامین حق دسترسی به آموزش به عرصهٔ جدال متقابل جامعه و جمهوری اسلامی بدل شده است.

در ۶مهر ماه، شاهد اعتراضات گسترده معلمین بازنشسته ، سپس در ۱۳مهر ماه، معلمین شاغل که با اعلام مطالبات بحق خود خواهان تجمع‌های اعتراضی در سراسر کشور شده‌اند. این فراخوانها از همین حالا با استقبال وسیعی روبرو شده است.

برای مثال به بخش کوتاهی از فراخوان معلمین بازنشسته توجه کنید:

"دوستان و همراهان گرامی؛ متاسفانه سالیان سال است که بازنشستگان فرهنگی به معنای قشر فراموش شده جامعه تلقی می شود در حالیکه نباید چنین باشد. بازنشستگی پایان راه نیست بلکه پایان تلاشهای بی وقفه و آغاز استراحت و استفاده از تلاش دیروز است .خوب میدانیم که حق دادنی نیست بلکه گرفتنی است. تا زمانی که به شکل گسترده به این بی توجهی اعتراض نکنیم راه به جایی نخواهیم برد.

باید همه با هم یک دل و یک صدا ندای حق خواهی سر داده و به مسئولان نشان دهیم که صبر بازنشسته فرهنگی هم اندازه دارد".

به صحنه مبارزه نگاه کنید بخوبی مشاهده می‌کنید که هر مبارزه و تلاش و حق‌طلبانه به نحوی به وضعیت خانواده‌ها و مستقیما حقوق کودکان تأثیر می‌گذارد.

مدارس تخریبی همانقدر جان دانش‌آموزان را در مخاطره قرار می‌دهد که جان معلمان را! معیشت زیر خط فقر به همین ترتیب. معلمین بازنشسته با دریافتی ماهانه حداکثر یک ونیم میلیون تومان عملا به صف فقیرترین اقشار جامعه سقوط کرده‌‌اند. عدم توجه عامدانه حکومت به معیشت و منزلت ‌معلمین بازنشسته، را در فریادهای اعتراضی آنها بوضوح می‌توان شنید. با صدای رسا اعلام می‌کنند که با اعتراض به وضعیت فلاکتباری که به آنها تحمیل شده است، نمی‌گذراند حقشان پایمال شود. اعلام می‌کنند که با اقتدار ایستاده‌اند و حقشان را طلب می‌کنند.

فراخوان معلمین برای تجمع اعتراضی سراسری در ١٣ مهر ماه، تلاشی اساسی برای تغییر وضعیت فاجعه بار آموزشی در ایران و یک آموزش و پرورش شاد و انسانی علمی و مدرن است. بهبود وضعیت معیشتی معلمین و بازگشت بکار معلمین اخراجی یکی از فوری ترین خواستهای این تجمعات است.

این‌ها نمونه‌‌هایی از حضور فعال اعتراضی معلمین است و قطعا مانند همیشه مورد حمایت کلیه خانواده‌‌ها قرارمی‌گیرد.

***انترناسیونال:*** *فضای آموزشی در چه وضعیتی است؟*

**سیامک بهاری:** تا آنجا که به سیاست‌ها و استراتژی وزارت آموزش و پرورش مربوط می‌شود این مجموعه‌ای است که اساسا در نظارت و کنترل نهادهای امنیتی است. فضایی بشدت بسته و پادگانی به ‌آن تحمیل می‌شود. کماکان همان سیاست دیکته شده "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" بر آن ناظز است. اعزام هر چه بیشتر آخوند و جایگزین کردن شغل معلمین با آنها.

طی ده سال گذشته حضور آخوند، چه تحت عنوان گذراندن دوران سربازی و یا اشتغال دائم، رابطه آموزش و پرورش با نهادهای مذهبی نظیر حوزه تربیت آخوند در قم و مشهد و غیره را تحکیم کرده است. گسترش پروژه‌‌‌های سیاسی "راهیان نور" بسیج دانش‌آموزی، جشن تکلیف، عفاف و نماز و غیره اهداف دراز مدت جمهوری اسلامی برای سربازگیری درمیان دانش‌آموزانی است که مانند گروگان و غنیمت به‌ آنها برخورد می‌شود.

شما یکجا حتی به تسامح هم نمی‌بینید که مسئولی از آموزش رایگان حرفی به میان بیاورد. از استانداردهای آموزشی مدرن در سطح جهانی کلمه‌ای نمی‌شنوید. از تامین معیشت و منزلت معلمین و ارتقا رفاهی‌ آنان همینطور.

سیاستهای ایدئولوژیک حکومت، مداوما با حرکت جامعه که دارد راهش را به سمت جلو باز می‌کند سپر به سپر می‌‌‌شود. شکست می‌خورد و به کناری زده می‌شود.

فضای آموزشی کشور دهها بار توسط نهادهای امنیتی و نظامی و مذهبی پاکسازی و بازسازی شده است ولی هرگز جمهوری اسلامی خود را موفق و پیروز نیافته ‌است. دلیل ساده‌اش هم این است که موجی از مدرنیسم و نوگرایی، این سیاست‌های ارتجاعی را مداوما شکست می‌دهد. میلیونها نوجوانی که علی‌القاعده باید دست‌پرورده این نظام ‌آ‌موزشی باشد، دقیقا در جهت مخالف رشد کرده‌اند. اساس جدال این است که مردم، جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. آموزش و پرورش اسلامی را نمی‌خواهند.

فضای آموزشی در ایران محل جدال دائمی مدرنیسم و فرهنگ پیشرو، امروزی و عمیقا انسانی با تحجرات فکری و سیاست‌‌های قرون وسطایی حکومتی است.

دستگیری و تبعید و اخراج معلمین و تعطیل و غیر قانونی کردن تشکلهای معلمین، یک سوی دیگر این جدال است. محبوبیت معلمین دستگیر شده و مقاومت تحسین برانگیز آنان در زندان و در تبعید بخوبی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در ایجاد ارعاب در میان معلمین نیز ناتوان بوده‌ است. ادامه مبارزات معلمین بخشی از همین پروسه است.

بدون تردید سال تحصیلی جدید، سال تلاش جدی‌تر و فعالیت وسیعتر معلمین برای یک ‌آموزش وپرورش انسانی، مدرن و شاد و سکولار خواهد بود.

تاکید بر خواست ومطالبات روشن می‌تواند بخش وسیعتری از خانواده‌‌ها را همراه مبارزات اعتراضی معلمین کند.

خواستهای خانواده‌‌ها برای ایجاد تغییر اساسی در فضای آموزشی را می‌تواند در مطالبات زیر مشاهده کرد:

ـ تحصیل رایگان و اجباری تا پایان تحصیلات دوره دبیرستان، ممنوعیت هر نوع شهریه و اخاذی از خانواده‌ها به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف، کتب درسی باید کاملا رایگان باشد. یک وعده غذای گرم، باکیفیت و رایگان برای محصلان در سراسر کشور، یک آموزش و پرورش شاد و انسانی.

ــ رفع تبعیض در مدارس، آموزش یکسان برای کودکان، طبقاتی کردن آموزش از طریق مدارس خصوصی باید کنار گذاشته شود.

ــ ایاب و ذهاب مدارس جزیی از وظایف مدرسه است و باید کاملا ایمن و رایگان باشد.

ــ کمک هزینه به خانواده‌هایی که امکان فرستادن کودکان خود را به مدارس ندارند به منظور اینکه کودکانشان را به مدرسه بفرستند.

ــ ایمنی و مقاوم سازی مدارس، کلاسهای درس و سیستم گرمایشی و سرمایشی. تا شروع سال تحصیلی باید مدارس به لحاظ ایمنی بازسازی شوند.

ــ اسلامی کردن مدارس، مسجد سازی و فرستادن طلبه به مدارس باید ممنوع شود. کتب درسی باید غیر مذهبی شود.

ــ در تمام محلات باید به اندازه کافی مدرسه باشد و تعداد دانش آموزان کلاس از ٢٢ نفر بیشتر نشود. همه مدارس از یک استاندارد و کیفیت آموزشی مناسب، کتابخانه، وسایل و امکانات ورزشی، آزمایشگاه، سالن کارهای دستی و غیره برخوردار باشند.

ــ حق شهروندی برابر و دسترسی یکسان به آموزش برای کلیه واجدین تحصیل افغانستاتی و عراقی و سایر مهاجرین.

ــ بازگشت به کار معلمین اخراجی و تبعیدی.

